

متن پیاده سازی شده جلسه شصت و هشتم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 21 بهمن 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه مطالب جلسه قبل

مستحضرید که بحث در مورد استدلال به بنا عقلا بود اشکالاتی به بنا عقلا مطرح شد اشکال دوم این بود که از سوی شارع ردع صورت گرفته است در حالی که بنا عقلا متوقف بر امضاست. مجموعه جواب های که بزرگان از نائینی، عراقی و شاگردان اینها داده اند چهار جواب استفاده می شود.

جواب اول: آیات ناظر به این بناها نیست بلکه بیشتر ناظر به عقاید است نه احکام شرعی

جواب دوم: اگر هم آیات ناظر به این بناها باشد تخصیص خورده است. مرحوم آخوند می فرماید: سلمنا که که آیات ناظر باشد اما به قرینه ادله خارجی انصراف دارد به ظنونی که برای آنها حجتی اقامه نشده است اما ظنونی که برایشان حجت اقامه شده است مثل خبر واحد، آیات شامل این ظنون نیست.

جواب سوم: دور بود که مفصل در کفایه آمده است.

جواب چهارم: خبر ثقه عرفاً ملحق به علم است و اینقدر احتمال خلاف کم است که آن را ملحق به علم می دانند وقتی قرآن می فرماید: لا تقف ما لیس لک به علم ... به ذهن مخاطب نمی آید که خبر واحد غیر علم است.

مطلب جدید

به نظر ما هیچ کدام از چهارجواب پاسخ به آن اشکال نیست؛ البته بنیان بحث را مفصل در گذشته داشتیم.

یادتان باشد ما در گذشته یک یا دو جلسه مستقیماً خدمت قرآن رفتیم و دیدیم که آیات ناهی از عمل به ظن منحصر به عقاید نیست بلکه مورد روایات در مورد عقاید باشد اما می دانیم که مورد مخصص نیست؛ قرآن می خواهد یک اصل فاخری تاسیس کند.

مرحوم آخوند می فرماید: اگر قبول کنیم که متابعت از غیر علم را نهی می کند شامل مسائل شرعی شود فانما هو فی خصوص ظن الذی لم یقم حجة علی الاعتباره اما خبر واحد قامت حجة علی اعتباره پس از این آیات خارج است مثل متابعت از ظواهر که خودش متابعت از گمان است اما از آیات نفی متابعت ظواهر خارج شده است.

استاد: آقای آخوند ما وقتی ادله اثبات یک پدیده ای را بیان می کنیم (مثل ما نحن فیه) ما دیگر نباید از سایر ادله کمک بگیریم یعنی شما وقتی بنا عقلا را بر حجیت خبر واحد ذکر می کنید باید تصور کنید که شما هستید و خبر واحد و بنا عقلا؛ پای ادله دیگر را نباید به میان بکشید.

مگر اینکه بگوییم که مرحوم آخوند این را به عنوان مقدمه برای اشکال سوم (یعنی دور) بیان می کند.

اشکال دور

اشکال سوم را عموماً گفته اند و یکی از بحث های مهم روز است و آن ترابط بین بنا عقلا و نصوص دینی است.

مستشکل می گفت شما که می خواهید به بنا عقلا تمسک کنید بدانید که این بنا را قرآن رد کرده است. مرحوم آخوند دور را مطرح کرد و فرمود اگر آیات قرآن بخواهد مثل بنا عقلا را بگیرد باید عمومش و اطلاقش بگیرد پس رد بنا عقلا متوقف بر عموم و اطلاق آیات است والا از آیه خارج می شود از آن طرف شما مطمئن هستید که با وجود چنین بنای از عقلا که صدر اسلام هم بوده عموم و اطلاقی برای آیات منعقد شود؛ اصلاً در ذهن عقلا هم چنین عمومی نبوده است. پس رد چنین بنای متوقف بر انعقاد عموم است و انعقاد عموم متوقف بر این است که چنین بنای نباشد.

پاسخ استاد

استاد: ما خدمت مرحوم آخوند عرض می کنیم که در تعارض بین دلیل معلّق و منجّز دلیل منجز مقدّم می شود؛ بین لا اقتضا و ما فيه الاقتضا طبعاً ما فيه الاقتضا مقدم است وقتی ما به قرآن مراجعه می کنیم به اصلی به نام حرمت متابعت از گمان می رسیم و این اصل مثل سایر اصول قرآن که نیاز به امضا شارع ندارد لذا حجیت این اصل قرآنی می شود منجز، اما حجیت بنا عقلا معلق بر امضا شارع با عدم ردع است ... یا بگویید اصل قرآنی ما فی الاقتضا است اما بنا عقلا ما لیس فی الاقتضا است و باید شارع بیاید امضا کند.

بله اگر بنای عقلائی خیلی محکم باشد و در مقابل دلیل شرعی ضعیف باشد در اینجا بنا عقلا کنار نمی رود. طبق بیانی که ما گفتیم اصلاً دور هم مطرح نیست چرا که یک طرف تعلیقی است و طرف دیگر تنجیزی؛ اما طبق کلام آخوند در هر بنای و دلیل عامی این اشکال دور باید مطرح شود.

اما بیان چهارم که از مرحوم نائینی و عراقی بود؛ این بزرگواران می گفتند عمل به خبر ثقه عرفاً ملحق به علم است و احتمال خلاف در آن نمی رود.

استاد: اگر خبر ثقه اطمینان آور باشد و درصد خلافش خیلی کم باشد بله حق با مرحوم نائینی و عراقی است اما محل بحث ما که چنین خبر واحدی نیست بلکه بحث ما صرف خبر واحد ثقه است. و لذا اینکه بگوییم خبر ثقه ملحق به علم است و از آیات تخصصاً خارج است نه تخصیصاً این حرف ها به راحتی قابل پذیرش نیست.

استاد: به نظر می رسد پذیرش خبر واحد از طریق بنا عقلا مبتلی به اشکال است و ما هر دو اشکال را پذیرفتیم.

دلالت عقل بر حجیت خبر واحد

باید از عقل پرسید که آیا من می توانم به خبر ثقه عمل کنم یا نه؟ از عقل باید حکم کلی پرسید نه جزئی

البته توجه داشته باشید که حکم عقل غیر از بنا عقلا است.

و الحمد لله رب العالمین